

ولی نژاد سامی به تدریج در جنوب شبه جزیره با حبشی‌ها و در شمال با اقوام سومری، بابلی و پارسی و در غرب، با مصریان که از نژاد حامی بودند، آمیخته گردید.

اوضاع اجتماعی

مورخان، بافت اجتماعی - سیاسی عرب‌های ساکن عربستان را «قبیله‌ای» می‌دانند. قبیله یعنی مجموع چند خانواده و خویشاوند که با هم رابطه نسبی یا سببی، داشته باشند. و کهنسال‌ترین فرد قبیله هم ریاست آن را دارد و قبایل جزیره العرب را هم سه دسته می‌دانند:

۱- **اعراب بائده:** قبایلی که سال‌ها قبل از ظهور اسلام، به سبب نافرمانی از خداوند متعال، از طریق بلاهای آسمانی و زمینی، از میان رفتند و فقط نامشان در تاریخ ماند. مشهورترین آنها، عبارتند از: قوم عاد، ثمود، جدیس.

۲- **اعراب عاربه یا باقیه (قحطانیان):** اعراب ساکن یمن و جنوب عربستان، که از قبایل فراوان تشکیل یافته بودند. دو قبیله‌ی بزرگ و معروف آن «اوس» و «خزرج» که پس از مهاجرت به شمال عربستان در یثرب ساکن شدند و نسب خود را به یعرب بن قحطان فرزند پنجم نوح(ع) می‌رسانند.

وقتی هم از تمدن عرب پیش از اسلام گفتگو می‌شود، بیشتر عرب عاربه ساکن یمن است. زیرا یمن و حَضْرَمَوْت در آن زمان، آبادترین نقطه‌ی جزیره العرب بود. و در روزگار قدیم، یمن، «سرزمین سبز» نیز نام

داشت.^۱

یمن و حَضْرَمَوْتُ به جهت نزدیکی با اقیانوس هند و دریای سرخ، از آب و هوای خوب برخوردار بودند. سدّ مأرب در کنار شهر مأرب که هنوز نام مشهور آن بر سر زبان‌هاست، عامل پیشرفت و تمدّن این منطقه بود.^۲ شهرهای: نجران، صنعا، عدن که در یمن واقعند، از شهرهای آباد آن زمان بودند. سرزمین حَضْرَمَوْتُ، در جنوب عربستان از آبادی‌های خوبی برخوردار بود. بُخُور که در آن روزگار برای سوزاندن در معابد، مصرف فراوان داشت، از آن‌جا به دست می‌آمد.

۳- اعراب مستعربه (عدنانیان): اعراب شمال عربستان‌اند که از طریق عدنان^۳، با چند واسطه از فرزندان حضرت اسماعیل شمرده می‌شوند. قبیله‌ی قریش در این گروه جای دارد، که در حجاز سکونت داشتند.

سرزمین حجاز، پوشیده از توده‌های ریگ بود. گاهی در میان آن‌ها زمین‌های مزروعی برای زراعت محصولات به جهت آبی که در عمق آنها به علت سیلاب‌های سنگین باقی می‌ماند، وجود داشت شهر طائف یکی از آن‌ها بود که میوه‌هایش معروف و بوستان مکه به شمار می‌رفت.^۴

دولت‌های قدیم عرب

دولت‌هایی که آثارشان را در تاریخ قوم عرب می‌توان دید، دولت مَعین

۱- تاریخ تحلیلی اسلام، دکتر محمود طباطبایی اردکانی، انتشارات اساطیر، ج ۱ ص ۸.

۲- تاریخ هردوت به نقل از «اسلام و جاهلیت» ص ۲۴۳.

۳- مروج الذهب مسعودی، ج ۲، ص ۲۵۷.

۴- تاریخ تحلیلی اسلام، دکتر محمود طباطبایی اردکانی، ج ۱، ص ۸.

و دولت سبا می‌باشند که با هم تقریباً مقارن بودند، اما معینیان، دارای قدمت بیشتری بودند و بعدها هم دولت‌های قتبان: حَضْرَمَوْت و حمیریان پدید آمدند.

دولت معین: کهن‌ترین دولت است. تمدن این دولت را در حدود قرن ۱۴ تا حدود قرن هفتم قبل از میلاد نوشته‌اند. مرکز این دولت، شهر قَرْنَه (معین جدید)، در ۱۱۰ کیلومتری شمال مأرب بود شهرهای معتبر ایشان مَعان و پُترا بودند.

دولت سبا: سبئیان در جنوب سرزمین معینیان، بزرگ‌ترین دولت یمن را پدید آوردند (که در تورات، سبا گفته می‌شود). قدمت تمدن این دولت را از حدود ۱۲ تا قرن هفتم قبل از میلاد نوشته‌اند. در حدود قرن هفتم که دولت معین رو به ضعف نهاد، سبئیان، تمام سرزمین آن‌ها را تصرف نمودند و بر راه‌های تجاری ایشان دست یافتند.

پایتخت حکومت سبئیان، شهر مأرب بود که پس از شکسته شدن سدّ معروف آن، مهاجرت قبایل مختلف این سامان، به شمال عربستان آغاز گردید. که دو قبیله معروف اوس و خزرج در یثرب ساکن شدند.

قتبان: در جنوب غربی سبا و مغرب حَضْرَمَوْت، کشور کوچک قتبان قرار داشت. پایتخت آن تمنع یا کهلان فعلی بود. شهر شَبْوَه مرکز محصول بُخُور به شمار می‌رفت. تمدن این سرزمین را دو قرن دانسته‌اند که از حدود قرن پنجم قبل از میلاد تا قرن سوّم قبل از میلاد ادامه داشت.

حَضْرَمَوْت: سرزمین حَضْرَمَوْت در جنوب غربی سبا و شرق قتبان با داشتن راه دریایی، با آفریقا، ایران و هند، روابط تجاری داشت و به نظر می‌رسد که حَضْرَمَوْت و کِنْدَه نیز مانند یمن در دوران ساسانی تحت

تسلط پادشاهی ایران بوده‌اند.

حَمِیرِیان: در سرزمین حَمِیر در ناحیه‌ی جنوب عربستان که مرکزشان ظفار بود حدود یک قرن قبل از میلاد حکومتی به همین نام یاد شده است که تا قرن ششم میلادی نیز وجود داشت. در این دوره، نصرانیت در میان حَمِیرِیان رواج یافت و چند کلیسا در ظفار و عَدَن ایجاد شد. تا اینکه یکی از پادشاهان حَمِیر، یوسف ذونواس به دین یهود گرایید و مسیحیان را به آتش بسوخت. این حادثه در سال ۵۲۱ میلادی رخ داد. ژوستینین امپراتور روم برای اینکه انتقام مسیحیان را بگیرد، از پادشاه حبشه خواست که حکومت یمن را براندازد. پادشاه حبشه در سال ۵۲۴ میلادی بر یمن حمله کرد و اریاط را حاکم نمود. ابرهه با سردار خود اریاط اختلاف پیدا کرد او را کشت و بجای وی نشست. این حکومت ۷۲ سال طول کشید تا اینکه به کمک ایرانیان منقرض شد. آخرین افراد ایشان مسروق از نوادگان ابرهه بود که در سال ۵۷۵ میلادی، به دست ایرانیان کشته شد.^۱

اخلاق

قوم عرب به عِلَل: جهل، تنگی معیشت و ناکافی بودن درآمد؛ به تهاجم، درنده‌خویی، وحشی‌گری روی داشتند یا اوقات را به تنبلی، بی‌حالی و دیگر رذایل اخلاقی چون: قمار، شراب، مَیسِر (نوعی قمار) می‌پرداختند.

شرابخواری از رسوم رایج در عربستان بود. شراب را بازرگانان یهودی و

۱- تاریخ تحلیلی اسلام، دکتر محمود اردکانی، ص ۵۲.

مسیحی از شمال به داخل شبه جزیره حمل می‌کردند.^۱ در حجاز نیز وجود تاکستان‌های فراوان در طائف، موجب گسترش این محصول در منطقه بود. باده‌گساری چنان در جامعه رسوخ داشت که کلمه‌ی تجارت در عرف، برابر باده‌فروشی بود. پس از باده‌گساری، فحشا و فساد که از عوامل رایج بود. زنان منحرف نیز، پرچمی بر فراز خانه‌های‌شان در اهتزاز داشتند. اخلاق در نظر عرب به نوعی دیگر تفسیر می‌شد. مثلاً غیرت و شجاعت و مروّت را می‌ستودند ولی مفهوم شجاعت در نظر آنان تهوّر در سفاکی، جنگ و غارت بود. غیرت در نظرشان، زنده به گور کردن دختران بود که مرتبه‌نهایی غیرتمندی به حساب می‌آمد. در وفاداری و حمایت، هم پیمانان خود را در هر حادثه، خواه حق و یا باطل، حمایت می‌کردند. داستان‌هایی هم در پناه دادن و حمایت عرب نقل شده که بیشتر به افسانه شبیه است. مانند داستان مردی که در حمایت از ملخ‌هایی که به خیمه او پناهنده شده بودند، شمشیر کشید.^۲

تمدّن

عربستان، به جهت بدی آب و هوا و گرمای طاقت فرسا، موجب شد تا این سرزمین، مورد تهاجم جهانگشایان تاریخ، واقع نگردد. در نتیجه مردم آن سرزمین در همان حال ابتدایی خویش می‌زیستند

۱- تاریخ ادبیات عرب، ژری بلاشر ترجمه آذرتاش آذرنوش، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳، ص ۷۶.

۲- تاریخ اسلام، عبدالرحیم قنوت، ص ۲۳